

Barriers to Institutional Innovation in Developing Societies Based on Complexity Theory

Sahar Babaei¹ | Akbar Mohammadi²

۱. Assistant Prof., Department of Public Governance, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran

۲. Assistant Prof., Department of Technology management, institute for trading studies and research, tehran, Iran

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: ۱۸ March ۲۰۲۲

Revised: ۱۰ Jan ۲۰۲۳

Accepted: ۱۶ Feb ۲۰۲۳

Keywords:

Complexity Theory
Institutional Innovation,
Barriers,
Institution.

ABSTRACT

Objective: Today, due to the rapid changes in innovation and technology in the business and governance environment, the design of appropriate governance policies has faced complexities. In proportion to this growth, the prevailing changes will also require common intelligence and proportionate institutional changes. Based on the existing complexities, Institutionalization and Institutional Innovation is one of the most important measures taken by different societies to regulate functions and achieve specific goals. These institutions are sometimes completely new and innovative, and sometimes are modifications of previous institutions that can all be categorized as institutional innovation with a wide range. In developing societies, due to its dysfunctions and weaknesses, institutional innovation faces many obstacles and problems. Recognition of these barriers can be helpful in predicting complementary institutional innovation measures for their implementation, and the purpose of this study is to identify these barriers.

Methodology: In this study, field studies and interviews with focus group were used to collect data, and by content analysis method, institutional innovation barriers were counted, and finally, based on complexity theory, the results of the research were validated.

Conclusion: Obstacles to institutional innovation were identified in three categories: knowledge, determination, and capability. Due to the inequality of policy makers and implementers, these barriers were counted separately from the perspectives of these two main stakeholders.

Originality:

Cite this article: Babaei, Sahar & Mohammadi, Akbar. (۲۰۲۳). Barriers to Institutional Innovation in Developing Societies

.....

موانع نوآوری نهادی در جوامع در حال توسعه براساس تئوری پیچیدگی

سحر بابایی^۱ | اکبر محمدی^{۲*}

چکیده

هدف: امروزه با توجه به سرعت تغییرات نوآوری و فناوری در محیط کسب و کار و فضای حکمرانی، تدوین خط مشی های مناسب نیز برای حکمرانی با پیچیدگی هایی روبرو شده است. به تناسب رشد و سرعت تغییرات حاکم نیز نیاز به هوشمندی متداول و تغییرات نهادی متناسب بسیار کلیدی خواهد بود. براساس پیچیدگی های موجود، نهادسازی و نوآوری نهادی از مهمترین اقداماتی است که جوامع گوناگون برای نظم بخشیدن به کارکردها و دستیابی به اهداف خاص انجام می دهند. در جوامع در حال توسعه با توجه به کژکارکردی ها و ضعف هایی که دارد، نوآوری نهادی با مقاومت ها و مشکلات زیادی روبرو است. شناخت این موانع می تواند در پیش بینی اقدامات تکمیلی نوآوری نهادی در جهت اجرایی شدن آنها کمک کننده باشد و هدف این پژوهش متوجه شناسایی این موانع می باشد.

ضرورت: بی توجهی به موانع موجود بر نوآوری های نهادی، منجر به شکست نوآوری های می شود که برای جامعه بسیار ضروری هستند و می توانند زمینه حرکت در مسیر توسعه را فراهم کنند. لذا شناخت این موانع می تواند با آگاهی بخشی به سطوح حکمرانی، زمینه حذف و یا کمرنگ کردن موانع را فراهم کند.

روش شناسی: در این پژوهش براساس مطالعات کتابخانه ای و تشکیل گروه کانونی برای جمع آوری داده ها استفاده شده و با روش تحلیل محتوا، موانع نوآوری نهادی احصاء شده است.

یافته ها: در نهایت با نگاه تئوری پیچیدگی، موانع نوآوری نهادی در سه دسته دانایی، عزم و اراده و قابلیت شناسایی شدند که با توجه به یکسان نبودن دیدگاه سیاست گذاران و مجریان، این موانع از دیدگاه این دو ذینفع اصلی جداگانه احصاء شده و مورد تحلیل قرار گرفتند.

نتیجه گیری: با برنامه ریزی به موقع برای رفع انواع موانع نوآوری نهادی در سه دسته دانایی، عزم و اراده، و قابلیت می توان زمینه لازم را برای نوآوری نهادی در جوامع در حال توسعه فراهم کرد.

کلیدواژه ها: تئوری پیچیدگی، نوآوری نهادی، موانع، نهاد

استناد: بابایی، سحر و محمدی، اکبر (۱۴۰۳). موانع نوآوری نهادی در جوامع در حال توسعه براساس تئوری پیچیدگی، نشریه مدیریت فردا،

^۱ استادیار گروه حکمرانی عمومی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، Sa.babaei@ut.ac.ir

^۲ استادیار گروه مدیریت تکنولوژی، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران، ایران

۱. مقدمه

امروزه با توجه به سرعت تغییرات نوآوری و فناوری در صنایع و محیط کسب و کار و فضای حکمرانی، تدوین سیاست‌های مناسب نیز برای حاکمیت با پیچیدگی‌هایی روبرو شده است. به تناسب رشد و سرعت تغییرات حاکم نیز نیاز به هوشمندی متداول و تغییرات نهادی متناسب بسیار کلیدی خواهد بود. تغییرات نهادی متناسب عامل و پیشران اصلی نوآوری های نهادی در این فضای پیچیده خواهد بود. تئوری پیچیدگی که از شروع آخرین دهه قرن بیستم مطرح شد به خوبی اصول و قواعد مناسب را برای تحلیل پدیده‌های مختلف مطرح نموده است (McMillan, ۲۰۰۲). این پژوهش بر اساس اصول و جریان‌های فکری تئوری پیچیدگی به عنوان علم مطالعه و تبیین ابعاد نوآوری نهادی در فضای حکمرانی کشور به تحلیل می پردازند. تحت تفکر این تئوری و مصاحبه با خبرگان گروه کانونی، موانع نوآوری نهادی شناخته شده و با روش تحلیل محتوا ابعاد اصلی نوآوری‌های نهادی شناخته می‌شود. سیستم های اجتماعی و تعاملات پیشرفته سه‌گانه میان سیستم‌ها، محیط و انسانها به عنوان سیستم های پیچیده انطباقی شناخته می شود (Rajabalinejad, van Dongen, & Ramtahalsing, ۲۰۲۰). امروزه مناسب‌ترین علم مطالعه و تبیین این سیستم های انطباقی، تئوری پیچیدگی می باشد (Turner & Baker, ۲۰۱۹). دینامیک سیستم های غیرخطی، نظریه آشوب، و انطباق و هم تکاملی به عنوان ستون های اصلی تئوری پیچیدگی شناخته می شود (Yawson, ۲۰۱۳). دینامیسم های غیر خطی بر ایجاد تغییر در فضاهای سنتی قابل پیش‌بینی بودن، و قابلیت خروجی مشخص از روند ورودی ها در سیستم تاکید دارد. این مفهوم بیان می دارد که امروز فضای علت و معلولی در رخداد پدیده‌های علمی کاملا آشفته و غیر قابل پیش بینی هستند. ستون دوم در فضای تئوری پیچیدگی مفهوم نظریه آشوب است. نظریه آشوب از نظر محققان مختلف همپوشانی زیادی با تئوری پیچیدگی دارد. این نظریه که بر وجود نظم در بی نظمی ها تاکید دارد از زمان مطرح شدن خود بسیار مورد توجه محققان مختلف قرار گرفته است و پس از توسعه خود در علوم تجربی و فیزیکی امروز در علوم اجتماعی نیز در حال توسعه می باشد. ویژگی انطباق و هم تکاملی نیز به عنوان ویژگی های کلیدی سیستم های مورد مطالعه در تئوری پیچیدگی مطرح می باشد. این دو ویژگی در محیط های اجتماعی و تعاملات افراد و سیستم بسیار مشهود می باشد بسیاری از نمونه های سیستم های انطباقی پیچیده با ویژگی‌های مشابه الگوی تحلیلی خود را از طبیعت و اکوسیستم های طبیعی بر گرفته اند. نظریه تکاملی داروین و تئوری مورچگان را می‌توان بعنوان نمونه نام برد (Turner & Baker, ۲۰۱۹). با توجه به فضای پیچیده وزن و تغییرات نهادی در فضای آشفته جامعه، تئوری پیچیدگی می‌تواند به عنوان تئوری زمینه ای مناسب در تحلیل نوآوری های نهادی در جامعه مد نظر قرار بگیرد.

از طرفی با وجود پیچیدگی های حاکم، جوامع در مسیر توسعه خود، به طور معمول با فرصت‌ها، چالش‌ها و بحران‌هایی مواجه می‌شوند و برای موفق شدن و از عهده مشکلات و بحران‌ها برآمدن، هم به "سخت‌افزار" نیاز دارند و هم به "نرم‌افزار". بسیاری از شکست‌های کشورها در حل اثربخش امور، فقدان تشکیلات و ماشین‌آلات، وسایل جنگی نظامی، یا تجهیزات ارتباطی نبوده، بلکه کمبود "نرم‌افزار" - ترتیبات نهادی - موجب آنها بوده است. برای نمونه ارتباطات ضعیف بین سازمان‌های مختلف، رهبری ضعیف و حتی نگرش‌های نژادپرستی مشکلات را ایجاد نموده است (woodhill, ۲۰۱۰, p.۵۰). نهادها محدودیت‌هایی هستند که توسط انسان‌ها طراحی می‌شوند و تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را شکل می‌دهند. آنها هم شامل محدودیت های غیررسمی (فتواها، منع‌های مذهبی^۲، عادات^۳، کدهای رفتاری^۴) و هم شامل قوانین رسمی (قانون اساسی، قوانین، حقوق مالکیت) می‌باشند. در کل تاریخ، نهادها به وسیله انسان‌ها ابداع شده اند تا نظم را ایجاد کنند و عدم قطعیت را کاهش دهند (North, ۱۹۹۱, p.۹۷). لذا نهادها زندگی اجتماعی را

sanctions^۱taboos^۲^۳ customs^۴ Code of conduct

قابل پیش‌بینی و معنادار می‌سازند که البته از نظر پیچیدگی با هم متفاوتند. همچنین تغییرات نهادی می‌توانند از قبل طراحی شده یا گفتمانی باشند. منظور از مورد اول، تغییراتی است که از قبل طراحی و صورت‌بندی می‌شود و به جامعه برای اجرا ابلاغ می‌شود. اما مقصود از مورد دوم، تغییراتی است که همچون فرهنگ نیاز به گفتمان سازی دارد و در طول زمان پیاده‌سازی می‌شود. نهادها در یک زمان و مکان خاص، با توجه به ویژگی‌های هر مجموعه، برای دستیابی به اهداف خاص و انجام کارکردهای مشخص شکل می‌گیرند. با گذشت زمان و تغییر شرایط، به طور معمول، نهادها تناسبی با شرایط جدید ندارند و نیاز به اصلاح، تغییر یا نوآوری دارند تا بتوانند همچنان کارکردهای خود را حفظ کنند یا به اهداف والاتر دست یابند. با وجود تفاوت‌هایی که بین سه واژه اصلاح، تغییر و نوآوری نهادی وجود دارد، به دلیل اندک بودن تفاوت‌ها، در این پژوهش هر سه معادل یکدیگر مدنظر قرار گرفته و از اصطلاح نوآوری نهادی استفاده می‌شود. در اغلب مواقع نوآوری نهادی با مقاومت‌ها و موانعی مواجه می‌شود که این موانع در جوامع در حال توسعه بیش از جوامع توسعه‌یافته به چشم می‌خورد. از آنجا که نوآوری‌های نهادی برای توسعه جوامع و رفع چالش‌ها و رسیدن به اهداف اهمیت بسیار بالایی دارند (Mohammadi & babaei, ۲۰۲۲)، اگر این موانع شناسایی و رفع نشوند، عملاً انجام نوآوری‌های نهادی امکان‌پذیر نبوده و به درستی رخ نخواهد داد. لذا هدف این پژوهش، شناسایی و دسته‌بندی موانع نوآوری نهادی در جوامع در حال توسعه می‌باشد.

در این پژوهش چهار مفهوم نهاد، تئوری پیچیدگی، جوامع در حال توسعه، سیاست‌گذاران، و سطح مجری، به صورت زیر نیازمند تعریف هستند:

نهاد: محدودیت‌هایی هستند که توسط انسان‌ها طراحی می‌شوند و تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را شکل می‌دهند. آنها هم شامل محدودیت‌های غیررسمی (فتواها،^۱ منع‌های مذهبی،^۲ عادات،^۳ کدهای رفتاری^۴) و هم شامل قوانین رسمی (قانون اساسی، قوانین، حقوق مالکیت) می‌باشند.

تئوری پیچیدگی: بعنوان علم مطالعه و تبیین سیستم‌های انطباقی پیچیده معرفی می‌شود.

جوامع در حال توسعه: سازمان‌ها و کشورهایی که هنوز به سطح توسعه یافتگی دست نیافته‌اند و در مسیر پیشرفت قرار دارند.

سیاست‌گذاران: ذی‌نفعان اصلی که وضع نوآوری‌های نهادی را در سازمان‌ها برعهده دارند.

سطح مجریان: سطحی در سازمان‌ها که اجراکننده خواسته‌ها و ابلاغیات سیاست‌گذاران می‌باشند و می‌توانند موانعی در اجرا ایجاد کنند.

۲. مروریات

نظریه پیچیدگی

نظریه پیچیدگی در واقع علم مطالعه و تبیین سیستم‌های پیچیده انطباقی است (Wheatley, ۱۹۹۴). این نظریه به عنوان یک تغییر پارادایم در فضای علمی جدید شناخته شده است. با وجود آن که نظریه پیچیدگی به عنوان یک علم جدید زمینه‌ای شناخته شده است اما هیچ تعریف دقیقی از مرزهای مشخص شده آن وجود ندارد. در ابتدا نظریه پیچیدگی و سیستم‌های انطباقی پیچیده به عنوان زیرمجموعه‌های نظریه سیستمی شناخته می‌شدند. اما یاسون با بررسی خود سه ویژگی متمایز در نظریه پیچیدگی را شناسایی نمود که به هیچ عنوان تحت نظریه سیستمی قابل در نظر گرفتن نبودند (شامل پویایی‌های غیرخطی نظریه آشوب و سازگاری) (Yawson,

^۱ sanctions

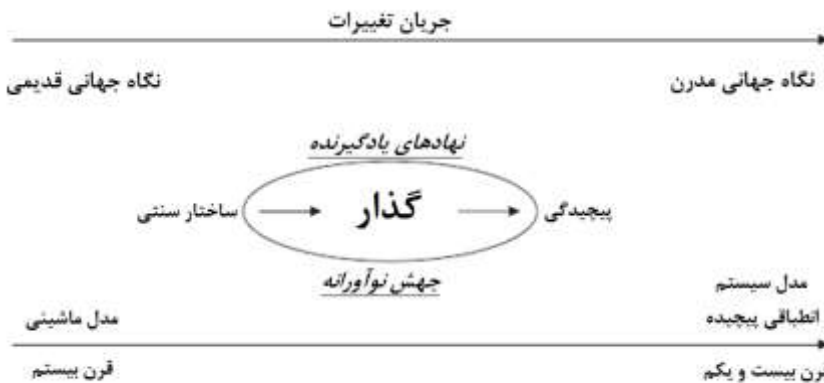
^۲ taboos

^۳ customs

^۴ Code of conduct

۲۰۱۳). پس از این مطالعه نظریه پیچیدگی و نظریه عمومی سیستمی به عنوان دو نظریه و پارادایم علمی متفاوت در کنار یکدیگر قرار گرفتند. چرا که برخلاف نظریه عمومی سیستمی که سیستم‌ها به سمت ایجاد تعادل هستند (Pascale, Millemann, & Gioja, ۲۰۰۰) ولی در تئوری پیچیدگی فرض بر این است که رویدادها بر اساس دانش و فناوری مربوطه تا زمانی که رخ دهند ناشناخته هستند و ممکن است به طور کلی غیر قابل تشخیص باشند (Eve, Eve, Horsfall, & Lee, ۱۹۹۷).

ترنر و بیکر در مطالعه خود (۲۰۱۹) تاکید داشتند که پدیده‌های مختلف تحقیق در علوم اجتماعی باید بر اساس اصول سیستم انطباقی پیچیده (وابستگی و مسیر غیر خطی بودن، خودظهور یافتگی، تعادل بین نظم و آشوب، انطباق پذیری و خود سازماندهی) مورد تحلیل و مطالعه قرار بگیرند. چرا که فضای تعامل میان عناصر مختلف این سیستم‌ها شامل افراد محیط و سیستم بسیار پیچیده است و بر اساس تئوری پیچیدگی بهتر می‌توان با ایجاد نظم در روابط این سیستم‌ها را تحلیل نمود. مک میلان (۲۰۰۳)، جایگزینی مفهوم پیچیدگی را به عنوان یک پارادایم جدید جایگزین به عنوان گذار علمی در قرن ۲۱ مطرح نموده است. مطابق با شکل ۱ جریان تغییرات به گونه‌ای مشهود است که نگاه مدرن با تمام پیچیدگی‌های موجود به دنیای جدید جایگزین نگاه قدیمی در قرن قبلی می‌شود. این گذار با ظهور نهادها و سازمانهای یادگیرنده در کنار تغییرات رادیکال نوآورانه از تبدیل مدل‌های ماشینی به مدل‌های سیستمی انطباقی پیچیده اتفاق می‌افتد.



شکل ۲: مدل استراتژی گذار برای اساس نظریه پیچیدگی (McMillan, ۲۰۰۳)

هود در سال ۲۰۱۸، با ارائه یک چارچوب مفهومی نظریه پیچیدگی را علم مناسب و چتری برای تحلیل مجموعه‌ای از نظریه‌های شبکه‌ای، تئوری سیستم‌ها، سیستم‌های غیرخطی، سیستم‌های خود سازماندهی شده، و انطباقی و تکاملی معرفی نموده است (Hood, ۲۰۱۸). ترنر و بیکر (۲۰۱۹)، باقی ماندن در فضای رقابتی خط مشی گذاران را مستلزم داشتن نظم برای نوآوری و سازگاری در فضای قرن بیست و یکم دانستند ایشان علم تئوری پیچیدگی را بهترین کمک به رهبران کنونی و آینده برای درک صحیح فناوری‌های پیشرفته جهانی شدن بازارهای پیچیده و تغییرات فرهنگی دانسته‌اند. در واقع علم پیچیدگی می‌تواند به خط مشی گذاران کمک کند که موانع و چالش‌هایی که در قرن اخیر با آنها روبرو شده‌اند را برطرف کند (Turner & Baker, ۲۰۱۹).

نوآوری‌های نهادی

نهادها شامل اعتقادات و ارزش‌ها، چارچوب‌هایی برای درک، قوانین رسمی و غیررسمی، ترتیبات سازمانی، و الگوهای منظم رفتاری هستند (woodhill, ۲۰۱۰, p.۵۰) که تعاملات را هدایت می‌کنند، مکانیزم‌هایی برای رفع مسائل اقدام جمعی هستند (میان بخش‌ها، میان کارگران، میان شرکت‌ها، میان شرکت و کارگران، میان شرکت‌ها و مقامات رسمی) که قلب توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. (Doner, ۲۰۱۰, p.۹)

نهادها کارکردهای مختلفی دارند و به دلیل نقش مهمی که در پیشرفت جوامع ایفا می‌کنند از اهمیت بالایی برخوردارند. پژوهشگران از سه نقطه‌نظر - اقتصادی، سیاسی و مدیریتی - به توضیح کارکردهای نهادها پرداخته‌اند (Galston & McElvein, ۲۰۱۵, pp. ۳, ۴). نهادها به طور کلی از مناظر مختلف تعاریف مختلفی دارند: از منظر اقتصادی، نهادها به دنبال ایجاد نظم و کاهش عدم قطعیت هستند. نهادهای موثر می‌تواند با ایجاد راه حل‌های مناسب، توسعه همکاری‌ها را میان گروه‌های مختلف حاصل کند و هزینه دستیابی به اطلاعات را در این شبکه‌های همکاری کاهش دهد (Kasper & Streit, ۱۹۹۹; Wei, ۲۰۱۹). از منظر سیاسی نیز نهادها چند کارکرد کلیدی دارند: رهبری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و در نهایت پایداری سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها توسط نهادهای تقویت می‌شوند (Yoshikawa, Tsui-Auch, & McGuire, ۲۰۰۷). از دیدگاه مدیریتی نیز، نهادها اهداف مهمی را دنبال می‌کنند. آنها انگیزه بالایی برای جمع‌آوری، سازماندهی، و ذخیره اطلاعات مربوط به مأموریت ایجاد می‌کنند. همچنین، آنها دلایل خوبی برای نظارت بر اجرای خط‌مشی‌های مربوط به دامنه‌هایشان دارند، و حتی تنها دلیل می‌تواند دفع پرسش‌های مخرب بیرونی درباره علل شکست اجرای این خط‌مشی‌ها باشد. با استمرار خط‌مشی در طول زمان، آنها محل حافظه تاریخی مربوط به خط‌مشی خواهند شد. (Wolf & Zilberman, ۲۰۱۲) از دیگر فواید نهادها می‌توان به آینده‌نگری آن اشاره کرد. در واقع همه دولت‌ها تمایل به نزدیک‌بینی دارند، مشکلی که در دموکراسی‌های پیشرفته در دهه‌های اخیر تشدید شده است. نهادهای خوب طراحی شده در مقابله با نزدیک‌بینی عمل می‌کنند، از طریق منابع شایسته‌ای از جمله اطلاعات موثق درباره نتایج آینده اقدامات امروز - و شکست در اقدامات. با توجه به موارد فوق، اهمیت وجود نهادها غیرقابل انکار است، اما گاهی نهادها از آغاز نواقصی دارند که نیاز به تغییر دارند. با این وجود، معمولاً، در ابتدا به طور منطقی برای انجام مأموریت‌هایی ایجاد می‌شوند. اما در طول زمان، شرایط تغییر می‌کنند، درحالی‌که نهادها تغییر نمی‌کنند، و سرانجام اثربخشی آنها کاهش می‌یابد. (Galston & McElvein, ۲۰۱۵, p. ۴). در این راستا توجه به تفاوت تغییر، اصلاح و نوآوری نهادی اهمیت دارد که به میزان و کیفیت تغییر بستگی دارد. تغییر نهادی را می‌توان تغییر در شکل، کیفیت، یا وضعیت یک نهاد در طول زمان تعریف کرد. تغییر در یک نهاد می‌تواند به واسطه مشاهده آن در دو یا چند نقطه زمانی در چند بعد (مثل چارچوب‌ها، هنجارها، یا قوانین)، و سپس محاسبه تفاوت‌ها در طول زمان در این ابعاد، تعیین شود. اگر تفاوت قابل توجهی وجود داشته باشد، می‌توان گفت که نهاد تغییر کرده است. اگر تغییر یک حرکت جدید و بی‌سابقه، نسبت به گذشته باشد، یک نوآوری نهادی رخ داده است. اگر تفاوت‌ها اندک باشد، می‌توان اصطلاح اصلاح نهادی را به کار برد. لذا می‌توان اصطلاحات نوآوری، اصلاح و تغییر را تقریباً معادل یکدیگر در نظر گرفت که در یک طیف ضعیف تا قوی با عنوان نوآوری نهادی قرار دارند (Galston & McElvein, ۲۰۱۵, p. ۶). نوآوری‌های نهادی در سه دسته قابل تعریف‌اند: اصلاحات ساختاری (مثل توسعه یک بازار جدید برای محصولات دارویی)، تغییر در ابزارهای تنظیم‌گری (مثل تصمیمات پوششی، بودجه‌ریزی‌ها، محدودیت‌ها)، و تغییرات پارادایمی (Costa-Font and Puig- Junoy, ۲۰۰۷, pp. ۷۰۳, ۷۰۴) که انجام هر یک با درجه سختی و مقاومت متفاوتی روبه‌رو است. پژوهشگران این مقاومت‌ها و موانع را از نقطه نظرات متفاوتی مورد بررسی قرار داده‌اند که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند. حتی زمانی که تغییرات محیطی، نوآوری نهادی را ضروری کنند، باز هم نهادها در مقابل تغییر مقاومت می‌کنند، چراکه روش‌های ایجاد شده برای انجام امور راحت و آشنا هستند. اما عوامل دیگری نیز نوآوری را پیچیده می‌کنند. تغییرات اغلب قدرت را به بیرون از نهاد بازتخصیص می‌دهند. برای مثال، اصلاحات می‌توانند قلمرو قدرت کمیته‌های کنگره، یعنی کسانی که حریصانه در مقابل هرگونه تقلیل قدرتشان مقاومت می‌کنند، را کاهش دهند. لذا بروکرات‌ها در مقابل تغییر نهادهایی که آزادی و بودجه آنها را کاهش دهد، مقاومت می‌کنند (woodhill, ۲۰۱۰: ۵۰، ۵۱) (Ostanina, Avilova, Aleksandrov, Makhotkina, & Pugacheva, ۲۰۱۶) همچنین نوآوری نهادی فرایندی متمرکز و اقدام-جمعی است که افراد و سازمان‌ها در اقدام جمعی، تعارض و چانه‌زنی درگیر می‌شوند و می‌تواند بعنوان نتیجه نیروهای عرضه و تقاضا در یک جامعه دیده شود. (COCCIA, ۲۰۱۸, p. ۳۲۸) لذا نوآوری نهادی به دلیل تنش پویا بین پایداری نهادی و تغییر نوآورانه، چالش‌برانگیز است و اغلب با اصطکاک، مقاومت، رقابت و مناظره همراه است (Raffaelli anf Glynn, ۲۰۱۲, p. ۴). نهادها اساساً برای افراد و گروه‌ها انگیزه‌هایی، چه مثبت و چه منفی، ایجاد می‌کنند که به

شیوه‌های خاص عمل کنند. مردم نیز در راستای تقویت یا تضعیف یک نهاد رفتار می‌کنند (Woodhill, 2010, p.52). باید در نظر داشت که هیچ نقشه از پیش‌ساخته‌ای برای ایجاد ترتیبات نهادی جدید وجود ندارد که بتواند بهترین عملکرد نهادها را تضمین کند، بلکه در ایجاد نهادها باید شرایط اولیه، تاریخ، تنظیمات اقتصادی-اجتماعی، رژیم سیاسی و از همه مهم‌تر، قدرت چانه‌زنی گروه-های اجتماعی ذی‌نفع به عنوان عوامل زمینه‌ای خاص مدنظر قرار گیرد تا بتوان به هدف‌های موردنظر دست یافت (Momeni, atarpour, Salehzade, khazaei, 2016, p.113). یکی دیگر از متغیرهایی که هم بر نوآوری نهادی تاثیرگذار است و هم از آنها تاثیر می‌پذیرد، توسعه فناوری است. فناوری‌های نرم، پایه و زمینه نوآوری در نهادها، قوانین و مقررات، نظام‌ها، و سیاست‌های مربوطه را شکل می‌دهند. (Momeni, et al. 2016, p.108). نوآوری در نهادهای رسمی (یا مکانیزم‌های اجرایی) معمولاً به منابع کافی نیاز دارد (بابایی و توکلی، ۱۳۹۶) و نخبگان سیاسی حاکم، به عنوان عوامل این تغییرات عمل می‌کنند (Zaslavskaya & Shabanova, 2002, p.29). زمان، انرژی، سرمایه سیاسی و ظرفیت‌های اداری و اجرایی، تمامی جزء منابع با اهمیتی هستند که باید در این راه مصرف شوند (Momeni et al. 2016, p.113).

با توجه به دانش مربوط به نوآوری سازمانی و نظریه خود سازماندهی این تئوری، نوآوری‌ها شامل نوآوری فرهنگ، نوآوری دانش، نوآوری نهادی، نوآوری فناورانه، نوآوری مدیریتی و غیره است. یکپارچگی نوآوری به عنوان یک فرایند و سیستم نوآورانه پویا با در نظر گرفتن همه دیدگاه‌های نوآوری، تأکید بر هماهنگی و هم‌افزایی انواع نوآوری‌ها و تعامل آن‌ها با یکدیگر، به عنوان یک سیستم نوآورانه پویا دارد. (Meng & Wang, 2009) فو و فو، در پژوهش خود (2002) به بررسی میزان تاثیرگذاری و نقش آفرینی حاکمیت محلی بر ایجاد نوآوری‌های نهادی پرداختند. نتایج پژوهش این محققان نشان می‌دهد که در چهار گام اصلی، حاکمیت محلی می‌تواند در پرورش نوآوری نهادی تاثیرگذار باشد: ۱- نقش آفرینی موثر در ایجاد نوآوری محلی ۲- شناسایی و رفع موانع نوآوری نهادی ۳- از بین بردن و یا کاهش هزینه‌های نوآوری نهادی در سطح دولت و در نهایت ۴- ترویج و هماهنگی میان سیستم‌های رسمی و غیررسمی. (FU & FU, 2002) سان و همکارانش (2020) نیز در مطالعه خود به بررسی نوآوری نهادی در صنعت مالی و بر الزام آن در اقتصاد دانش بنیان امروزی تاکید داشته‌اند. این محققان با بررسی صنعت مالی کشور چین نشان دادند که ظهور اقتصاد دانش بنیان با تمام پیچیدگی‌های سیستمی خود، تاثیر عمیقی بر نهادهای مالی این کشور داشته است و نوآوری مالی و ارائه خدمات متنوع تر بسیار کلیدی می‌باشد. (Sun, 2020)

پیچیدگی و نوآوری‌های نهادی

سازمان‌ها، جوامع و سیستم‌ها در حوزه بازار، بطور کلی سیستم‌های تطبیقی پیچیده هستند (Beinhocker, 2007) این بدان معناست که آنها "یک شبکه پویا از عوامل متعدد (که ممکن است سلولها، گونه‌ها، افراد، شرکتها و یا ملتها را نشان دهد) هستند که به طور موازی، مداوم و واکنشی نسبت به سایر عوامل ارتباط و تعامل دارند." (Waldrop & Gleick, 1992). درک نهادها برای درک پیچیدگی و پویایی تغییرات اجتماعی بسیار مهم است. آنچه سیستم‌های اجتماعی را پیچیده می‌کند، تعداد زیادی از نهادهای متقابل است که البته با ماهیت غالباً غیرقابل پیش بینی رفتار انسان ترکیب شده است. سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران باید دو نکته را درک کنند: اول اینکه هیچ کس چارچوب‌های نهادی جوامع ما را آگاهانه طراحی نکرده است. آنها با سازگاری و پاسخگویی به انواع آزمایش‌ها، ایده‌های جدید، بازی قدرت و شوک‌های خارجی، در دوره‌های طولانی مدت تکامل یافته‌اند. دوم، تغییر ترتیبات نهادی کار ساده‌ای نیست. نتایج غالباً غیرقابل پیش بینی هستند، با برخی از نتایج مورد انتظار رخ نمی‌دهد و در عوض سایر تغییرات برنامه‌ریزی نشده اتفاق می‌افتد (Beinhocker, 2007; North, 1990). در چنین سیستم‌هایی، نظم از طریق عملکرد مستقل و در عین حال هماهنگ بسیاری از افراد "از پایین به بالا" ظاهر می‌شود. از طریق یک شبکه پیچیده از مکانیسم‌های بازخورد، سیستم دائماً در واکنش به تغییرات در شرایط داخلی و خارجی در حال تکامل است. ورودی‌های کوچک به سیستم می‌تواند تأثیرات بسیار بزرگ (غیر

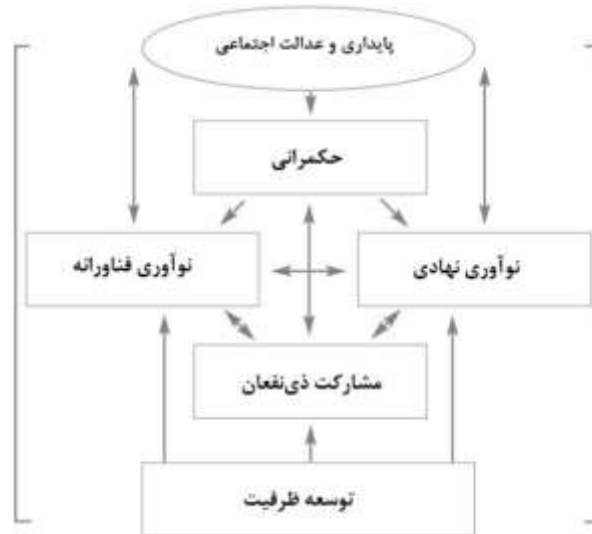
خطی) بر رفتار کلی سیستم داشته باشد. همچنین تغییرات کوچک در شرایط شروع نیز می تواند. در سیستم های تطبیقی پیچیده الگوهایی را نشان دهد رفتار مرتبط با آنچه جذب کننده نامیده می شود، داشته باشد. جذب کننده، چیزی است که یک سیستم در حالت تعادل پویا به آن می نشیند و می تواند به عنوان یک الگوی رفتاری خاص (و اغلب پیچیده) در نظر گرفته شود (Ramalingam, Jones, Reba, & Young, ۲۰۰۸). به طور شهودی، بدیهی است که بسیاری از مواردی که در زندگی با آن سروکار داریم "پیچیده" است. با این حال، ذهنیت علمی و مهندسی قرن بیستم باعث شده تا موقعیت های پیچیده بصورت سیستمی مدیریت شود. برنامه ریزی سیستمی و تجزیه و تحلیل علمی مبتنی بر ایجاد روابط علت و معلولی روشن و استفاده از این دانش برای پیش بینی نتیجه یک طرح بعنوان یک الزام شناخته می شود. در سیستم های پیچیده، روابط علت و معلولی اغلب وجود ندارد یا نمی توان آنها را زودتر ارزیابی کرد (Kurtz & Snowden, ۲۰۰۳).

ایجاد تغییرات توسعه در شرایط پیچیده اجتماعی مستلزم تحول نهادی می باشد اما این تنها یک سو از قضیه است. مقابله با فقر، دستیابی به عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست به وضوح مستلزم تحول نهادی است (Mowles, Stacey, & Griffin, ۲۰۰۸). از سوی دیگر، موسسات را نمی توان به طور مشخص و موثر در یک برنامه ریزی منظم، از بالا به پایین تغییر داد و نقش محدودی برای سایر بازیگران خارجی قائل شد (J. Woodhill, ۲۰۱۰). از نظر پیچیدگی، نوآوری نهادی به عنوان ویژگی نوظهور نحوه تعامل همه بازیگران (افراد) در سیستم (جامعه، سازمان، جامعه) رخ می دهد (attarpour et al. ۲۰۲۴). چه در گروه های کوچک و چه در کل جوامع، نوع تغییر ممکن به شدت تحت تأثیر جمعی افراد، طرز فکر، ارزشها و باورها تعیین می شود. ممکن است به نظر برسد که بدیهی است. با این حال، توسعه بسیاری از سیاست ها و بسیاری از مداخلات توسعه ای هنوز با فرضیه های مکانیکی و فرضیات پیچیده در مورد چگونگی تغییر همراه است (A. Woodhill, ۲۰۰۸). برای مقابله با بسیاری از مشکلات فوری جهان، انواع مختلفی از مشارکت چند جانبه و یادگیری مشارکتی مورد نیاز است. واضح است که دولت به تنهایی قادر به حل مشکلات نیست و تعامل بین دولت، کسب و کار، جامعه مدنی و شهروندان مورد نیاز است. همچنین واضح است که نوآوری ها و به ویژه نوآوری های نهادی، نه فقط از طریق تحقیقات دانشگاهی و "متخصصان"، بلکه از تعاملات بین بسیاری از بازیگران و ذینفعان مختلف بوجود می آیند (J. Woodhill, ۲۰۱۰).

جکوب و همکارانش (۲۰۱۹) با بررسی ابعاد اقتصاد پایدار به ارائه راهکارهای حاکمیتی در خصوص نوآوری های نهادی پایین به بالا در سطح جامعه پرداختند. مطالعات این محققان نشان داد که با توجه به پیچیدگی های موجود در سطح جامعه، برای رسیدن به اقتصاد پایدار لازم است که فناوری های موجود با تغییرات سیستمیک، تحول آفرین و بنیان برافکن جایگزین شود. ولی این جایگزینی مستلزم حضور و نقش آفرینی موثرتر حاکمیت در ایجاد هماهنگی میان بازیگران، سازماندهی مجدد سیستم های اجتماعی-فنی و بسیج و تخصیص منابع خواهد بود. این نقش آفرینی موثر حاکمیت نیز می تواند با ایجاد نوآوری های نهادی از پایین به بالا به منظور هماهنگی بیشتر بازیگران در فرآیندهای تحولی صورت پذیرد. (Jacob et al., ۲۰۱۹) نظریه پیچیدگی با رویکردهای نهادگرایانه برای تجزیه و تحلیل حکمرانی بسیار مناسب است. (Tenbense, ۲۰۱۸) تنبسنل (۲۰۱۸) در پژوهش خود براساس علم نظریه پیچیدگی، یک چارچوب در خصوص "ژنتیک جمعیت" براساس پویایی های موجود در حکمرانی توسعه داده است. سطح تحلیل این تحقیق حوزه حکمرانی مدیریت مراقبت های پزشکی در ایلت آکلند بوده است. این چارچوب ابعاد مربوط به حوزه سلسله مراتب، بازارها، شبکه ها و جوامع را با مفاهیم دیگری مانند تغییر درون زاء، نوترکیبی ژنتیکی، چشم اندازهای تناسبی، پیوند برقرار کرده است. (Tenbense, ۲۰۱۸)

۳. پیشینه پژوهش

وودهیل (۲۰۱۰)، در مطالعه خود براساس تئوری پیچیدگی به شناسایی ظرفیت های نوآوری نهادی پرداخته است. این مقاله استدلال می کند که چالش های جهانی قرن بیست و یکم با تمام پیچیدگی های موجود، مستلزم نوآوری نهادی بوده و نیازمند پویایی بسیار متفاوتی از روابط درون جامعه است. تغییر نهادها، اعم از هنجارها و ارزشهای اجتماعی، سیاستهای دولت، مشوقهای بازار، سیستمهای سیاسی یا فرایندهای سازمانی، مستلزم ظرفیتهای "نرم" ارتباطات، اعتمادسازی، دیپلماسی، شبکه سازی، درک موقعیتهای آشفته اجتماعی، حمایت سیاسی و رهبری است. این مطالعه همچنین چهار قابلیت اصلی مورد نیاز برای نوآوری نهادی را شامل هدایت پیچیدگی، یادگیری مشارکتی، مشارکت سیاسی و خودنمایی مطرح نموده است. (J. Woodhill, ۲۰۱۰) وودهیل در مطالعه خود با ارائه چارچوبی، دینامیزم های حکمرانی پایدار و توسعه ظرفیت ها را براساس تئوری پیچیدگی مطرح نموده است. در این مطالعه براساس تئوری پیچیدگی فضای حکمرانی بصورت سیستمی جهانی شده، پیچیده و با ریسک بالا معرفی شده است. تغییرات سریع و غیر قابل پیش بینی فضای حکمرانی جامعه در کنار ویژگی های خودظهور یافتگی آن (Emergent) بر لزوم بررسی آن از منظر تئوری پیچیدگی تاکید می نماید. (Turner & Baker, ۲۰۱۹; J. Woodhill, ۲۰۱۰) براساس مدل مطرح شده توسط وودهیل، تحت تئوری پیچیدگی، ایجاد پایداری و عدالت اجتماعی تعامل مستقیم دوطرفه با نوآوری نهادی و نوآوری فناورانه دارد. همچنین از طریق حکمرانی، بصورت مستقیم بر ایجاد نوآوری فناورانه و نوآوری نهادی تاثیرگذار است. همچنین نوآوری نهادی و نوآوری فناورانه با تاثیرپذیری متقابل نسبت به مشارکت ذینفعان، از توسعه ظرفیت ها در فضای حکمرانی نیز تاثیر می پذیرد. چارچوب وودهیل درخصوص دینامیزم های حکمرانی پایدار و توسعه ظرفیت در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: دینامیزم های حکمرانی پایدار و توسعه ظرفیت (J. Woodhill, ۲۰۱۰)

پورکیانی و همکاران چندین مانع را به عنوان موانع نوآوری سازمانی مطرح کرده اند و از آن جهت که نوآوری سازمانی نوعی نوآوری نهادی به حساب می آید، می توان از آنها به عنوان موانع نوآوری نهادی نیز نام برد: بروکراسی؛ موانع ساختاری کلان در جامعه؛ عدم پیگیری کافی؛ داشتن ساختار وظیفه ای؛ ضعف تجهیزات، منابع مالی و انسانی؛ موانع زیست محیطی؛ فرهنگ سازمانی محافظه کارانه و سنتی؛ استفاده محدود از فرایند توسعه محصولات جدید؛ محدودیت IT؛ کمبود زیرساخت های لازم؛ شرایط فعلی غیر قابل تحمل (Pourkiani, Shojaee Farahabadi and Dahmardeh Komak ۲۰۱۳, p.۷۲۶). همچنین Segarra-Blasco, García-Quevedo and Teruel-Carrizosa (۲۰۰۷:۱۱) و همکاران نیز به طور کلی موانع نوآوری را در سه دسته هزینه ای، دانشی و بازار معرفی کرده اند: موانع هزینه ای (فقدان بودجه داخلی، فقدان بودجه خارجی، هزینه-

های مستقیم بسیار بالای نوآوری؛ موانع دانشی (فقدان پرسنل باصلاحیت، فقدان اطلاعات فناورانه، فقدان اطلاعات بازار، موانعی در یافتن شرکایی برای نوآوری)؛ موانع بازار (غلبه بازار بوسیله تشکیلات ایجاد شده، تقاضای نامعین برای کالاها یا خدمات نوآورانه، فقدان تقاضا برای نوآوری). از سوی دیگر وقتی وارد دنیای تغییر نهادها می‌شویم، این امر با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، خط-مشی‌های دولت، مشوق‌های بازار، سیستم‌های سیاسی یا فرآیندهای سازمانی مرتبط می‌باشد، که همه این موارد بسیار فازی می‌شود، اما کم‌اهمیت نیستند. علاوه‌براین، تغییر و توسعه ظرفیت‌های "نرم" ارتباطات انسانی، اعتمادسازی، شبکه‌سازی دیپلماسی، ایجاد موقعیت‌های آشفته اجتماعی، حمایت سیاسی و رهبری، اغلب دشوارتر هستند. ماهیت پیچیده تغییر نهادی همچنین به معنای مشکل بودن اثبات مستقیم تأثیر چنین ظرفیت‌هایی است. به همین دلایل، در "توسعه" تمرکز روی نوآوری‌های فناوری و ظرفیت‌های فنی مورد نیاز بسیار آسان‌تر است، تا اینکه درگیری عمیق با پیامدهای نوآوری نهادی پیدا کرد. (Woodhill, 2010, pp.50,51)

۴. شکاف تحقیق و تعریف مسئله

همانطور که در بخش‌های قبل ذکر شد، نوآوری نهادی از الزامات جوامع در حال توسعه برای دستیابی به توسعه یافتگی است که در این جوامع عموماً با موانع متعددی مواجه است. برای تحقق نوآوری نهادی در جوامع در حال توسعه که با پیچیدگی‌های متعددی مواجهند، گام اول شناسایی موانع پیش روی نوآوری نهادی است تا بتوان در گام بعد راهکارهای رفع موانع را شناسایی و رفع کرد. با توجه به مطالعات صورت گرفته پژوهشی که این موانع را به طور دقیق و جامع با نگاه به تئوری پیچیدگی شناسایی و دسته‌بندی کرده باشد وجود ندارد و لذا در این پژوهش تلاش می‌شود با در نظر گرفتن ابعاد پیچیده فضای اجتماعی و پویایی‌های حاکم بر آن (Turner & Baker, 2019)، با نگرش علم تئوری پیچیدگی (J. Woodhill, 2010; McMillan, 2003) موانع نوآوری نهادی را از جنبه‌های مختلف مدنظر قرار داد. بدین منظور این پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ خواهد داد:

- محورهای اصلی تفاوت جوامع امروزی با جوامع سنتی از منظر ابعاد پیچیدگی جوامع کدام است؟
- موانع نوآوری نهادی در سازمان‌ها با توجه به نگاه تئوری پیچیدگی کدامند؟
- این موانع در چه مفاهیمی قابل دسته‌بندی هستند؟
- آیا موانع نوآوری نهادی از دیدگاه مجریان و سیاست‌گذاران (ستاد حکمرانی) متفاوتند؟

۵. روش شناسی

پژوهش‌ها را از نقطه‌نظرهای متفاوتی می‌توان دسته‌بندی نمود. از نظر فلسفه پژوهش، می‌توان پژوهش حاضر را در زمره پژوهش‌های انتقادی در نظر گرفت، چرا که محقق با دید تحلیلی و انتقادی، به بررسی مطالعات انجام شده پرداخته تا بتواند یک دسته‌بندی دقیق از موانع نوآوری نهادی ارائه دهد.

در انجام پژوهش‌های انتقادی، هر پژوهشگری از مفروضات ذهنی خاص خود برخوردار بوده و مطابق با این مفروضات به تحلیل و نقد می‌پردازد. محقق در راستای شناسایی موانع نوآوری نهادی در فضای پیچیدگی دو مفروض مهم را دنبال می‌کند. جامعه، سازمان و هر مفهومی که متشکل از جمعی از انسان‌ها باشد، یک سیستم اجتماعی است که پیچیدگی‌های بسیار بیشتری نسبت به سیستم‌های

مکانیکی یا ارگانیکی دارد. این پیچیدگی‌ها موجب می‌شود که هر تغییری با موانع بسیار پیچیده‌ای مواجه شود که شناخت این موانع در رفع آنها و کمک به تغییر، اهمیت بسیاری دارد. لذا یکی از مهمترین مفروضاتی که پیش‌زمینه این مطالعه است، نگاه به سازمان به عنوان یک سیستم اجتماعی پیچیده می‌باشد. علاوه بر این باید پیشران‌هایی که سازمان یا هر جامعه‌ای را به پیش می‌برد را مشخص نمود. دو موردی که در سیستم‌های اجتماعی بسیار مورد توجه است، اصالت نفع؛ و ایدئولوژی و اعتقادات انسان‌ها است. در برخی جوامع اصالت نفع از اولویت بیشتری برخوردار بوده و در برخی دیگر بالعکس می‌باشد.

از نظر هدف، پژوهش‌ها به سه دسته بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی تقسیم می‌شوند. با توجه به اینکه این پژوهش، از نظریه‌های قبلی ایده گرفته و پس از رسیدن به یک چارچوب برای جوامع در حال توسعه همچون سازمان‌های ایرانی کاربرد دارد، از نوع کاربردی می‌باشد. قلمرو مکانی انجام این پژوهش سازمان‌های دولتی ایران و قلمرو زمانی آن سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ بوده است. این پژوهش به روش کیفی و با تمرکز بر طرح عملی کروگر (Krueger, ۲۰۱۴) انجام پذیرفته است. این طرح با ایجاد و مشارکت یک گروه متمرکز درخصوص پدیده تحقیق صورت می‌گیرد. یک گروه متمرکز به گروهی اطلاق می‌شود که از افرادی با ویژگی‌های مشخص تشکیل شده و درخصوص یک پدیده مشخص برای پژوهش بحث می‌کند (Morgan, Krueger, & Scannell, ۱۹۹۸). طبق تعریفی که دنسکومب در سال ۲۰۰۷ مطرح نموده است، این گروه‌های کانونی با هدف کشف نگرش‌ها، ادراکات و ایده‌های آن‌ها در حوزه پدیده تحقیق توسط چند محقق مورد هدایت و کنترل قرار می‌گیرند (Denscombe, ۲۰۱۷). در گروه‌های متمرکز در واقع مجموعه‌ای از خبرگان که توسط محققان بعنوان افراد واقف در حوزه پدیده تحقیق هستند، تعیین می‌شوند. این اعضا با هدایت محققان و براساس سوالات مصاحبه، مسیر شناسایی و کشف جریان‌های معین در حوزه موانع نوآوری نهادی را دنبال نموده‌اند. درک دقیق و تبیین دانش نهان خبرگان در حوزه موانع نوآوری نهادی براساس ابعاد تئوری پیچیدگی در حکمرانی نوین، مهمترین دلیل محققان برای انتخاب گروه متمرکز در روش پژوهش بوده است. این درک دقیق می‌تواند براساس توسعه تعاملات میان خبرگان حوزه پژوهش و تجمیع دانش نهان ایشان در مسیر تضارب جریان‌های فکری مختلف ایجاد شود. بطور کلی مسیر پژوهش در چهار گام ذیل صورت پذیرفته است: (Krueger, ۲۰۱۴)

گام اول: فراهم نمودن الزامات (شامل بررسی ادبیات و مبانی نظری پژوهش)

گام دوم: برنامه ریزی شفاف (شناسایی خبرگان و تشکیل گروه متمرکز با توجه به پدیده تحقیق)

گام سوم: تعیین سوالات (طراحی سوالات مصاحبه از گروه متمرکز، براساس سوالات تحقیق و مرور ادبیات)

گام چهارم: هماهنگی (تشکیل و مدیریت جلسات مصاحبه و تضارب آراء بین خبرگان)

گام پنجم: تحلیل (تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و استخراج موانع نوآوری نهادی براساس اصول تئوری پیچیدگی و استخراج یافته‌ها)

مجموعه افراد مورد مصاحبه و تشکیل دهنده گروه کانونی شامل دو دسته بوده‌اند: اولین دسته افرادی بودند که تجارب بالایی در سطح حکمرانی و سیاستگذاری ملی داشته و مدعی پیاده سازی نوآوری‌های نهادی در نظام حکمرانی بوده‌اند. دسته دوم نیز مجموعه خبرگان حوزه مدیریت و علوم و انسانی بوده‌اند که ایشان صاحب نظر نسبت به مباحث علمی نوآوری نهادی بوده و تجارب تحلیل‌های سیستماتیک ساختارهای حکمرانی کشور از منظر نوآوری‌های نهادی را در رزومه خود داشته‌اند. سوالات اصلی مصاحبه در چارچوب سوالات تحقیق ذیل طراحی شده و با چارچوب نیمه ساختاریافته مطرح شدند تا خبرگان بتوانند بدون سوگیری، تجارب و جریان‌های فکری خود را نسبت به موانع و چالش‌های موجود برای نوآوری نهادی در ساختار حکمرانی را بیان نمایند. هدف از بکارگیری این روش، ارائه نتایج پژوهش و دریافت نظرات خبرگان درخصوص موانع نوآوری نهادی در شرایط پیچیده سیستم‌های اجتماعی است. تمام مراحل جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با استفاده از پروتکل مشخص صورت گرفت که پایایی را برآورده نماید. همچنین برای روایی یافته‌ها نیز

سعی شد از تمام منابع موجود استفاده برای گردآوری داده و تحلیل بهره برده شود و نظرات اعضاء گروه متمرکز نیز با یکدیگر مقایسه و در مواردی که تفاوت زیاد بود، مجدداً به آن ها مراجعه شود.

بطورکلی داده های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای (مطالعه مقالات و کتب مرتبط و گزارشات منتشره) و میدانی (مصاحبه کیفی و پرسشنامه باز) گردآوری شده‌اند که داده‌هایی کیفی بوده و جهت تحلیل آن‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شده است. لذا این پژوهش در نحله پژوهش‌های کیفی دسته‌بندی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل افرادی از مدیران و پژوهشگران حوزه نوآوری نهادی در سطح سازمان‌های ایران بودند که حداقل ۱۵ سال سابقه فعالیت در این حوزه را داشته و شناخت کافی از زمینه مورد مطالعه را داشته باشند. اعضای گروه کانونی که شامل ۱۳ نفر بودند، همگی با رویکرد هدفمند و به روش گلوله برفی انتخاب شدند. با انجام مصاحبه های عمیق از آنها اطلاعات لازم تا رسیدن به حد کفایت و تکراری شدن مطالب ادامه یافت.

۶. چارچوب پژوهش

در این پژوهش تلاش شده که موانع نوآوری نهادی در یک چارچوب مفهومی متشکل از سه بعد دانایی (دانستن)، عزم و اراده (خواستن)، و قابلیت (توانستن) دسته بندی شوند. این سه عنصر مبتنی بر بررسی یافته های حاصل از ادبیات و پیشینه پژوهش حاصل شده است و مبنای سوالات پرسشنامه و مصاحبه قرار گرفته است. درواقع هر نوآوری نهادی برای محقق شدن می تواند با یک یا چند مورد از موانع مواجه شود که یا به دانستن و علم و آگاهی نسبت به آن نوآوری مرتبط می شوند، یا به تمایل و خواستن متولیان امر نسبت به اجرای یک نوآوری نهادی، و یا نهایتاً به توانایی و داشتن قابلیت و امکانات کافی برای اجرای آن نوآوری. لذا می توان چارچوب مفهومی پژوهش را به صورت مثلث شکل ۲ در نظر گرفت که نوآوری نهادی در قلب این مثلث بوده و اجرای آن وابسته به ۳ عنصر مهم دانستن، توانستن و خواستن است.



شکل ۲. چارچوب مفهومی پژوهش

۷. یافته‌های پژوهش

در گام اول بررسی یافته ها، با بررسی ادبیات و گزارشات و همچنین مصاحبه با اعضای گروه کانونی، ۴۷ مانع نوآوری نهادی براساس پروتکل های مصاحبه و در فضای تئوری پیچیدگی سیستم های اجتماعی شناسایی شدند که محقق آنها را در پنج دسته قرار داد. پس از آن با برگزاری پنل خبرگی اعضای گروه کانونی، این موانع مورد تحلیل افراد قرار گرفته و به ۳۵ شاخص تقلیل یافتند و با بررسی های صورت گرفته در سه دسته قرار گرفتند. این دسته ها عبارت از سه شرط اساسی دانستن (دانایی)، خواستن (عزم و اراده) و توانستن

(قابلیت) تعیین شدند. بدین معنی که با توجه به فضای پیچیده سیستم های اجتماعی، بخش حکمرانی باید از دانایی کافی برای انتخاب یک نوآوری نهادی، از تمایل کافی برای ارائه آن و از توانایی لازم برای اجرای آن برخوردار باشند. علاوه بر این طبق نظرات اعضاء، موانع نوآوری نهادی از نقطه نظر و دیدگاه مجریان متفاوت با دیدگاه کسانی است که واضع و ایجادکننده نوآوری نهادی هستند. لذا تلاش شد که موانع نوآوری براساس دیدگاه ستاد حکمرانی و دیدگاه مجریان به صورت جداگانه احصاء شوند. در نهایت همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، موانع نوآوری نهادی در جوامع در حال توسعه در سه حوزه کلی دانایی، عزم و اراده، و قابلیت و از دو دیدگاه سیاستگذاران و مجریان به شناسایی شدند.

جدول ۱. موانع نوآوری نهادی

از دیدگاه سیاستگذاران	از دیدگاه مجریان	
<ul style="list-style-type: none"> مدل های ذهنی معیوب سیاست گذاران عدم درک درست سیاست گذاران از میدان عمل عدم درک و فهم درست سیاست گذاران از وظایف عدم آگاهی از ابزارهای پیاده سازی نبود نظام بازخورد مناسب و گفتمان نقد عدم تعیین درست مسئله اولیه و مضامین محوری منافع (قدرت، بودجه و...) متفاوت ذی نفعان دید کوتاه مدت سیاست گذاران عدم تعهد مدیران نبود مطالبه از سوی پایین دست و بالادست و بی نیازی سیاست گذاران به پاسخگویی پایین بودن خلاقیت، ریسک پذیری، و روحیه انتقادپذیری وابستگی به مسیر 	<ul style="list-style-type: none"> عدم آگاهی کافی راجع به اثرات یک نوآوری (در جهت اثبات به سایرین) عدم آگاهی از ابزارهای پیاده سازی مدل های ذهنی و عادت واره های پیشین افراد پایین دست و بالادست (مانع ذهنی و شناختی) ندانستن زبان مشتری و زبان عملیات سطح پایین آمادگی ذهنی مجریان برای نهاد جدید منافع (قدرت، بودجه و...) متفاوت ذی نفعان بالادست و هم تراز منسوخ کردن قابلیت های پیشین مجریان عدم حمایت سیستم آموزشی برای ارتقای دانایی مقررات و خط مشی های امنیتی و غیرامنیتی بروکراسی و وجود سیستم فرایندگرا به جای فردگرا زیرساخت های ناکافی پایین بودن اقتدار و محدوده اختیار سیاست گذاران (عدم استقلال کافی) هزینه های بسیار بالای آغاز وجود سیستم فردگرا به جای فرایندگرا 	<p>دانایی</p> <p>عزم و اراده</p> <p>قابلیت</p>

همانطور که مشخص است ستاد حکمرانی که خود پیشنهاددهنده نوآوری نهادی است دیدگاه مشابهی با مجریان از نظر موانع ندارد، هرچند تعدادی مانع مشترک نیز میان آنها وجود دارد. در ادامه تلاش می شود که هر یک از موانع توضیح داده شوند:

موانع مرتبط با دانایی از دیدگاه ستاد حکمرانی

- عدم حمایت سیستم آموزشی برای ارتقای دانایی: سیستم آموزشی حکمرانان و مجریان، به ارائه آموزش های مرتبط با نهادسازی و چگونگی انجام صحیح آن مرتبط با شرایط واقعی سازمان نمی پردازد.

- عدم آگاهی کافی راجع به اثرات یک نوآوری: ستاد حکمرانی از دانش ارزیابی دقیق اثرات نهایی یک نوآوری نهادی بر کل سازمان و جامعه را ندارد تا بتواند براساس اثبات اثرات مثبت، مجریان را متقاعد به اجرا کند.
- عدم آگاهی از ابزارهای پیاده‌سازی: برای پیاده‌سازی یک نوآوری نهادی ممکن است به مجموعه‌ای از ابزارهای گفتمانی، مالی، ساختاری، اطلاعاتی و... نیاز باشد و در صورت اغفال از ابزارهای مهم و تاثیرگذار، ممکن است اجرایی شدن آن ممکن نباشد. سطح حکمرانی اغلب از ابزارهای متفاوت پیاده‌سازی سیاست آگاه نیستند.
- نبود نظام بازخورد مناسب و گفتمان نقد: نبودن گفتمان نقد و نقدپذیری و عدم ارائه بازخوردهای به موقع از سوی مجریان، ستاد حکمرانی از ضعف‌ها و چالش‌ها باخبر نشده و نمی‌تواند علل اجرایی نشدن را درک و رفع کند.
- مدل‌های ذهنی و عادت‌واره‌های پیشین افراد پایین دست و بالادست (مانع ذهنی و شناختی): ستادهای بالادست به دلیل موانع شناختی و ذهنی اغلب با پذیرش بسیاری از نوآوری‌های نهادی که با انگاره‌ها و مفروضات ذهنی آنها سازگار نباشد، مخالفت می‌کنند. مجریان نیز به دلیل مفروضات ذهنی و عادت‌واره‌های پیشین درخصوص انجام فعالیت‌ها، درمقابل پذیرش نوآوری‌های نهادی که آنها را نقض کند، مقاومت می‌کنند.
- ندانستن زبان مشتری و زبان عملیات: هر سازمانی به ارائه خدمات یا فروش محصولات به مشتریانی مشغول است و گاهی نوآوری‌های نهادی مستلزم توافق با مشتریان برای اجرا می‌باشد. ندانستن زبان مشتری و عدم درک صحیح نیازهای او موجب می‌شود که سازمان نتواند او را متقاعد به پذیرش طرح جدید نماید.
- سطح پایین آمادگی ذهنی مجریان برای نهاد جدید: مجریان اغلب از دانایی کافی و آمادگی ذهنی برای پذیرش نهادهای جدید و متناسب با دانش روز برخوردار نبوده و لذا در مقابله با نوآوری‌های نهادی مقاومت می‌کنند.

موانع مرتبط با دانایی از دیدگاه مجریان

- مدل‌های ذهنی معیوب سیاست‌گذاران: مدل‌های ذهنی و مفروضات و انگاره‌های ذهنی سیاست‌گذاران مانع ارائه نوآوری‌های نهادی صحیح و برطرف کننده مشکل شده و موجب می‌شوند که سیاست‌گذاران در مسیر قبلی خود که ایرادات زیادی دارد حرکت کنند.
- عدم درک درست سیاست‌گذاران از میدان عمل: برخی مواقع ستاد حکمرانی از میدان عمل و مشکلات و اقتضائات بخش‌های مختلف خبر نداشته و لذا نوآوری‌های نهادی مرتبط پیشنهاد نشده و لذا مجریان نمی‌توانند نوآوری‌های نهادی که در برج عاج سیاست‌گذاران وضع شده را بپذیرند و به شکل گفته شده اجرا کنند.
- عدم درک و فهم درست سیاست‌گذاران از وظایف: بسیاری از سیاست‌گذاران از وظیفه خود برای حل برخی مشکلات آگاه نبوده و آن را به سایر سازمان‌ها و افراد مرتبط می‌دانند.
- عدم تعیین درست مسئله اولیه و مضامین محوری: سطح حکمرانی اغلب مسئله ریشه‌ای و مضامین محوری که نوآوری نهادی باید حول آنها رخ دهد را به درستی تعیین نکرده و لذا نوآوری‌های نهادی مورد توافق جمعی قرار نمی‌گیرد.
- عدم آگاهی از ابزارهای پیاده‌سازی: این موضوع که هم از دیدگاه ستاد حکمرانی مطرح شد و هم از دیدگاه مجریان، دارای توضیح مشابهی می‌باشند که ذکر شد.
- نبود نظام بازخورد مناسب و گفتمان نقد: این موضوع که هم از دیدگاه ستاد حکمرانی مطرح شد و هم از دیدگاه مجریان، دارای توضیح مشابهی می‌باشند که ذکر شد.

موانع مرتبط با عزم و اراده از دیدگاه ستاد حکمرانی

- منافع (قدرت، بودجه و...) متفاوت ذی‌نفعان بالادست و هم‌تراز: منافع متفاوت ذینفعان اغلب موجب جنگ قدرت در پذیرش نوآوری - های نهادی می‌شود. چرا که هر نوآوری موجب می‌شود که قدرت، بودجه و یا نیروی انسانی میان ذینفعان جابجا شود و ذینفعی که منافع خود را در خطر می‌بیند در مقابل پذیرش آن به شکل‌های مختلف مقاومت می‌کند.
- منسوخ کردن قابلیت‌های پیشین مجریان: اغلب مجریان برای هماهنگی با نهادهای قبلی، قابلیت‌هایی را در خود و زیرمجموعه خود ایجاد کرده‌اند. برای ایجاد این قابلیت‌های زمان، هزینه و انرژی زیادی صرف شده و پذیرش نوآوری‌های نهادی که به منسوخ شدن آن قابلیت‌ها می‌انجامد را غیرمنطقی دانسته و در مقابل آن مقاومت می‌کنند.

موانع مرتبط با عزم و اراده از دیدگاه مجریان

- منافع (قدرت، بودجه و...) متفاوت ذی‌نفعان: مشابه با توضیح همین بند در دیدگاه ستاد حکمرانی
- دید کوتاه‌مدت سیاست‌گذاران: سیاست‌گذاران اغلب برای دوره‌های چهارساله یا نهایتاً هشت ساله دارای یک جایگاه شغلی هستند، و تمایل دارند که با دید کوتاه‌مدت جایگاه شغلی خود، نهادی را هرچه سریع‌تر وضع کنند تا در دوره مدیریتی آنها به نتایجی برسد. لذا وقت کافی جهت نوآوری نداشته و نوآوری مطلوبی وضع نمی‌کنند و لذا یا مسئله حل نمی‌شود یا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند.
- عدم تعهد مدیران: بسیاری از مدیران از تعهد کافی برای اجرای وظایف خود برخوردار نیستند. تعهد یعنی صرف زمان و انرژی کافی برای انجام وظایف حکمرانی. لذا با توجه به اینکه نوآوری نهادی از مهمترین وظایف ستاد حکمرانی است، در صورت نبود تعهد، نوآوری‌ها به درستی و در زمان مقتضی رخ نمی‌دهند.
- نبود مطالبه از سوی پایین‌دست و بالادست و بی‌نیازی سیاست‌گذاران به پاسخگویی: بی‌نیازی سیاست‌گذاران به پاسخگویی در خصوص وظایف دوره عمر کاریشان، موجب می‌شود که آنها به ارائه نوآوری‌های نهادی به موقع و اجرایی کردن آنها اصراری نداشته باشند.
- پایین بودن خلاقیت، ریسک‌پذیری، و روحیه انتقادپذیری: ستاد حکمرانی خلاقیت کافی را برای ارائه نوآوری‌های نهادی نداشته و به نهادهایی که در ادبیات و تجربه‌های پیشین ذکر شده بسنده می‌کنند، با وجودیکه هر سازمان اقتضائات خاص خود را دارد و خلاقیت لازمه ارائه نوآوری‌های نهادی است. همچنین سیاست‌گذاران باید ریسک‌پذیر باشند تا قدرت پذیرش نهادهای جدید را با همه مشکلات احتمالی داشته باشند. روحیه نقدپذیری نیز موجب می‌شود که سیاست‌گذاران انتقادات مجریان و مشتریان را بپذیرد و در راستای رفع موانع نوآوری‌های نهادی اقدام کند. لذا نبود سه ویژگی خلاقیت، ریسک‌پذیری و انتقادپذیری، از مهمترین موانع شخصیتی ستاد حکمرانی است.
- وابستگی به مسیر: بسیاری از سیاست‌گذاران به مسیر قبلی خود وابسته بوده و از پذیرش طرح‌ها و نهادهای جدید که آنها را از مسیر قبلی خود دور می‌کنند، ممانعت می‌کنند.

موانع مرتبط با قابلیت از دیدگاه ستاد حکمرانی

- مقررات و خطمشی‌های امنیتی و غیرامنیتی: از دیدگاه بسیاری از سیاست‌گذاران، مقررات گوناگون و به ویژه مقررات امنیتی سازمان، مانع مهمی در راه ارائه نوآوری‌های نهادی می‌باشند. برای مثال مقررات امنیتی که اجازه ارتباط زیاد با افراد خارج سازمان و ارائه اطلاعات به آنها را نمی‌دهد، مانع مهمی در راه ارائه نوآوری‌های نهادی باز که از مقتضیات جهان امروز است، می‌باشد.
- بروکراسی و وجود سیستم فرایندگرا به جای فردگرا: سیستم‌های فردگرا تمام تصمیم‌گیری‌ها را وابسته به فرد کرده، و بالعکس سیستم‌های فرایندگرا تصمیم‌گیری‌ها را وابسته به فرایند می‌کنند. لذا وجود سیستم‌های فرایندگرا و بروکراسی و کاغذبازی‌های اداری در بسیاری از مواقع منجر به تاخیر در ارائه نوآوری‌های نهادی و ارائه بازخوردها شده و به یکی از مهمترین دلایل نبود نوآوری‌های نهادی در دنیای چابک امروز تبدیل شده است.
- زیرساخت‌های ناکافی: نبود زیرساخت‌های فناورانه، مالی، تجهیزاتی، و انسانی مانع وضع بسیاری از نوآوری‌های نهادی می‌گردد.
- عدم استقلال کافی پایین بودن اقتدار و محدوده اختیار سیاست‌گذاران: عدم استقلال مدیران منجر می‌شود که آنها نیاز به متقاعد کردن بسیاری از افراد با منافع گوناگون داشته باشند، و مخالفت آنها، مانع بزرگی در سر راه نوآوری نهادی محسوب می‌شود.
- هزینه‌های بسیار بالای آغاز: نوآوری‌های نهادی اغلب نیازمند صرف هزینه برای ساختار سازی، جذب نیرو، ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی و نظایر آن دارند و این هزینه‌ها در کنار هدر رفتن هزینه‌های انجام شده برای نهادهای قبلی، یکی از موانع اساسی پذیرش نوآوری‌های نهادی است.

موانع مرتبط با قابلیت از دیدگاه مجریان

- ناتوانی در ایجاد توافق: برای انجام هر نوآوری نهادی باید روی مضامین محوری موضوع و راه‌حل انتخاب شده تفاهم و توافق صورت گیرد. اغلب ستاد حکمرانی در این زمینه نمی‌تواند قوی عمل کند و لذا نوآوری نهادی مورد پذیرش برای اجرا قرار نمی‌گیرد.
- عدم استقلال کافی مدیران: مشابه با توضیح همین بند در دیدگاه ستاد حکمرانی
- بروکراسی و وجود سیستم فرایندگرا به جای فردگرا: مشابه با توضیح همین بند در دیدگاه ستاد حکمرانی

۸. نتیجه گیری

در این پژوهش ابتدا مفروضات ذهنی پژوهشگر درخصوص جامعه در حال توسعه از منظر تئوری پیچیدگی معرفی شد: جامعه یک سیستم اجتماعی با پیچیدگی‌های خاص خود است که در آن هر تغییری با موانع بسیاری روبروست، همچنین اصلت نفع به عنوان یکی از مهمترین پیشران‌های جوامع در حال توسعه می‌باشد. سپس با بررسی ادبیات موانع بسیاری که دو مفروض قبلی را براساس ویژگی‌های پیچیدگی در خود دارند، برای نوآوری نهادی استخراج شدند و در ادامه با برگزاری پنل خبرگی گروه کانونی و انجام چندین مصاحبه رفت و برگشتی با خبرگان در جهت تایید و تکمیل یافته‌ها اقدام شد.

در کنار ابعاد تئوری پیچیدگی شامل دینامیزم‌های غیرخطی، نظریه آشوب، و انطباق و تکامل، موانع نوآوری نهادی در سه حوزه دانایی، عزم و اراده، و قابلیت دسته بندی شدند. این موانع یا به علت نادانی و عدم آگاهی مرتبطین بودند، یا به علت عدم تمایل و اراده آنها برای حل مسئله، و یا به علت ناتوانی و نداشتن قابلیت حل مسئله. همچنین موضوع دیگری که در بررسی موانع نوآوری نهادی مورد توجه قرار گرفت این بود که دیدگاه مجریان و ستاد حکمرانی درخصوص موانع چه تفاوت‌هایی با هم دارند و لذا این موارد به صورت مجزا احصاء شدند. وجود تعادل بین ابعاد تئوری پیچیدگی با ابعاد اصلی ناشی از موانع نوآوری نهادی، برای نوآوری‌های موفق نهادی ذیل تئوری

پیچیدگی بعنوان یک الزام معرفی می شود. این تعادل براساس تفکر تغییر مبتنی بر الزامات تئوری پیچیدگی و بوسیله ابزارها و آیین نامه های مناسب صورت می پذیرد.



پیشنهادات کاربردی

این پژوهش با معرفی موانع نوآوری نهادی، توانست براساس تئوری پیچیدگی، پیشران های کلیدی موفقیت را برای نوآوری نهادی ارائه دهد. لذا براساس یافته های پژوهش می توان پیشنهادات کاربردی زیر را ارائه نمود:

- تلاش برای افزایش آگاهی مجریان نسبت به اثرات یک نوآوری نهادی پیش از ابلاغ اجرای آن؛
- توجه به انواع ابزارهای پیاده سازی و تحقق نوآوری نهادی به صورت یک بسته؛
- تلاش در اصلاح مدل های ذهنی معیوب در مجریان و سیاست گذاری؛
- ایجاد نظام نظارت و بازخورد درخصوص موفقیت پیاده سازی نوآوری های نهادی؛
- گفتمان سازی و توافق و هم فهمی در سطح مجریان و سیاست گذاران درخصوص نوآوری نهادی از پیش از ابلاغ یک نوآوری نهادی؛
- ایجاد سیستم آموزشی برای ارتقاء دانایی در سطح مجریان و سیاست گذاران؛
- ایجاد فضای مطالبه گری برای تحقق نوآوری نهادی؛
- انتخاب و انتصاب مدیران و مجریان متعهد و مسئولیت پذیر؛
- شناسایی و فراهم کردن به موقع زیرساخت ها و امکانات مورد نیاز برای اجرای نوآوری نهادی؛
- ایجاد استقلال کافی به همراه مسئولیت پذیری برای مدیران؛
- حذف بروکراسی زائد؛
- اصلاح قوانین و خط مشی های ایجاد کننده مانع؛

تحقیقات آتی

پیشنهاد پژوهشگران در انجام تحقیقات آتی یافتن راهکارهای رفع موانع استخراج شده می باشد. برای مثال می توان استراتژی های گوناگون فعالانه و منفعلانه ای را جهت رفع موانع نوآوری نهادی پیشنهاد داد که استراتژی های فعالانه به ارائه راهکارهایی پیش از بروز موانع پرداخته، و استراتژی های منفعلانه به ارائه راهکارهایی پس از بروز موانع می پردازد. برای مثال ظهور زیرساخت های اجتماعی و فناوریانه جدید اغلب به عنوان کاتالیزور نوآوری نهادی محسوب می شود (Hagel and Brown. ۲۰۱۳, p.۵) و یک استراتژی فعالانه محسوب می شود. همچنین پیشرفت های دانش اجتماعی مثل حقوق، مدیریت اجرایی، برنامه ریزی و خدمات اجتماعی، و تحصیلات، چه به صورت عمومی و چه به صورت تخصصی، از جمله مواردی هستند که هزینه نوآوری های نهادی را کاهش می دهند (Momeni, atarpour, Salehzade, khazaei, ۲۰۱۶, p.۱۱۳) و می توانند به عنوان استراتژی های رفع موانع مدنظر قرار گیرند، چرا که هزینه های نوآوری نهادی از جمله موانع آن محسوب می شوند. با تمرکز دقیق بر راه حل های متنوع می توان راهکارهای رفع موانع نوآوری نهادی را به صورت دقیق تر و با دسته بندی بهتر پیشنهاد کرد.

منابع

بابایی، & توکلی. (۱۳۹۶). احصاء عقلانیت های پایه در فرآیند سیاست گذاری عمومی. سیاست گذاری عمومی، ۳(۱)، ۶۳-۸۲.

Attarpour, M. R., Narimani, M., Elyasi, M., & Mohammadi, A. (۲۰۲۴). Public Procurement Policies to Foster Innovation Development. *Foresight and STI Governance*, ۱۸(۱), ۳۳-۴۵.

Beinhocker, E. D. (۲۰۰۷). *The origin of wealth: The radical remaking of economics and what it means for business and society*: Harvard Business Press.

Coccia, M. (۲۰۱۸). An introduction to the theories of institutional change, *Journal of Economics Library*, ۵ (۴).

Costa-Font, J., Puig-Junoy, J. (۲۰۰۷). Institutional change, innovation and regulation failure: evidence from the Spanish drug market. *Policy & Politics*. ۳۵(۴). ۷۰۱-۷۱۸.

Denscombe, M. (۲۰۱۷). *EBOOK: The Good Research Guide: For Small-Scale Social Research Projects*: McGraw-Hill Education (UK).

Doner, R. F. (۲۰۱۰). *Introduction: Explaining Institutional Innovation: Case Studies from Latin America and East Asia*. Social Science Research Council.

Eve, R. A., Eve, R. A., Horsfall, S., & Lee, M. E. (۱۹۹۷). *Chaos, complexity, and sociology: Myths, models, and theories*: Sage.

FU, Y., & FU, Z.-y. (۲۰۰۲). On the Role of Local Government in Institution Innovation. *Journal of Shaoguan University (Social Science)*, ۱۰.

Galston, W. A., McElvein, E. H. (۲۰۱۵). *Institutional innovation: how it happens and why it matters*: Center for Effective Public Management at Brookings. The Brookings Institution: Governance Studies.

Hagel, J., Brown J.S. (۲۰۱۳). *Institutional Innovation: Creating smarter organizations to scale learning*, part of a Deloitte series on innovation.

Hood, R. (۲۰۱۸). *Complexity in social work*: Sage.

- Jacob, K., Guske, A.-L., Antoni-Komar, I., Funcke, S., Gruchmann, T., Kny, J., . . . Stumpf, K. H. (۲۰۱۹). Governance for the sustainable economy: Institutional innovation from the bottom up? *GAIA-Ecological Perspectives for Science and Society*, ۲۸(۱), ۲۰۴-۲۰۹.
- Kasper, W., & Streit, M. E. (۱۹۹۹). *Institutional economics*. Books.
- Krueger, R. A. (۲۰۱۴). *Focus groups: A practical guide for applied research*: Sage publications.
- Kurtz, C. F., & Snowden, D. J. (۲۰۰۳). The new dynamics of strategy: Sense-making in a complex and complicated world. *IBM systems journal*, ۴۲(۳), ۴۶۲-۴۸۳.
- McMillan, E. (۲۰۰۳). *Complexity, organizations and change*: Routledge.
- Meng, H., & Wang, Y.-h. (۲۰۰۹). On enterprise innovation integration based on the self-organization model. Paper presented at the ۲۰۰۹ ۱۶th International Conference on Industrial Engineering and Engineering Management.
- Mohammadi, A., & Babaei, S. (۲۰۲۲). Responsible Research and Responsible Innovation: Have new concepts emerged?. In ۲۰۲۲ IEEE ۲۸th International Conference on Engineering, Technology and Innovation (ICE/ITMC) & ۲۱st International Association For Management of Technology (IAMOT) Joint Conference (pp. ۱-۷). IEEE.
- Morgan, D. L., Krueger, R. A., & Scannell, A. U. (۱۹۹۸). *Planning focus groups*: Sage.
- Momeni, F., atarpour, M., Salehzade, R., khazaei, m. (۲۰۱۶), innovation arrangements and Overall Development: The Role of Institutional Innovations in Achieving Technology Development and Sustainable Development. *Quarterly Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, ۱۶ (۳), ۱۰۷-۱۳۰.
- Mowles, C., Stacey, R., & Griffin, D. (۲۰۰۸). What contribution can insights from the complexity sciences make to the theory and practice of development management? *Journal of International Development: The Journal of the Development Studies Association*, ۲۰(۶), ۸۰۴-۸۲۰.
- North, D. (۱۹۹۰). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge New York ua.
- North, D. C. (۱۹۹۱). *Institutions*, *Journal of Economic Perspectives*. ۵(۱). ۹۷-۱۱۲.
- Ostanina, S. S., Avilova, V. V., Aleksandrov, A. Y., Makhotkina, L. Y., & Pugacheva, A. S. (۲۰۱۶). Institutional aspects of economic systems management. *Journal of Advanced Research in Law and Economics*, ۷(۱), ۸۴-۹۲.
- Pascale, R. T., Millemann, M., & Gioja, L. (۲۰۰۰). *Surfing the edge of chaos: The laws of nature and the new laws of business*: Currency.
- Pourkiani, M., Shojaee Farahabadi, H., Dahmardeh Komak, M. (۲۰۱۳). Organizational innovation, barriers and factors. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*. ۲(۳). ۷۲۴-۷۳۱.
- Raffaelli, R., Glynn M.A. (۲۰۱۳). *Institutional Innovation: Novel, Useful, and Legitimate*. Shalley, Christina E., Michael A. Hitt and Jing Zhou. *Oxford Handbook of Creativity, Innovation, and Entrepreneurship: Multilevel Linkages*.
- Rajabalinejad, M., van Dongen, L., & Ramtahaling, M. (۲۰۲۰). *Systems integration theory and fundamentals*. Paper presented at the *Safety and Reliability*.
- Ramalingam, B., Jones, H., Reba, T., & Young, J. (۲۰۰۸). *Exploring the science of complexity: Ideas and implications for development and humanitarian efforts (Vol. ۲۸۵)*: Overseas Development Institute London.
- Segarra-Blasco, A., García-Quevedo, J., Teruel-Carrizosa, M. (۲۰۰۷). *Barriers to Innovation and Public Policy in Catalonia*. Institute of Economic in Barcelona. Document de Treball. ۲۰۰۷/۶.

- Sun, P. (۲۰۲۰). Research on Financial Institution Innovation Based on Knowledge Economy. TWP Series in Management, Business and Economy, ۱, ۲۵-۲۸.
- Tenbenschel, T. (۲۰۱۸). Bridging complexity theory and hierarchies, markets, networks, communities: a 'population genetics' framework for understanding institutional change from within. *Public Management Review*, ۲۰(۷), ۱۰۳۲-۱۰۵۱.
- Turner, J. R., & Baker, R. M. (۲۰۱۹). Complexity theory: An overview with potential applications for the social sciences. *Systems*, ۷(۱), ۴.
- Waldrop, M. M., & Gleick, J. (۱۹۹۲). *Complexity: the emerging science at the edge of order and chaos* [m]. info London: Viking.
- Wei, Y. (۲۰۱۹). The Development of the Qianhai Cooperation Zone from the Perspective of Institutional Innovation Studies on China's Special Economic Zones ۲ (pp. ۱۲۷-۱۴۰): Springer.
- Wheatley, M. J. (۱۹۹۴). *Leadership and the new science: Learning about organization from an orderly universe*: ERIC.
- Wolf, S., & Zilberman, D. (۲۰۱۲). *Knowledge generation and technical change: Institutional innovation in agriculture* (Vol. ۱۹): Springer Science & Business Media.
- Woodhill, A. (۲۰۰۸). *Shaping behaviour: how institutions evolve. The broker*, ۲۰۰۸(۱۰), ۴-۸.
- Woodhill, J. (۲۰۱۰). Capacities for institutional innovation: a complexity perspective. *IDS bulletin*, ۴۱(۳), ۴۷-۵۹.
- Woodhill, J. (۲۰۱۰). Capacities for Institutional Innovation: A Complexity Perspective. *IDS Bulletin*. ۴۱(۳). ۴۷-۵۹
- Beinhocker, E. D. (۲۰۰۷). *The origin of wealth: The radical remaking of economics and what it means for business and society*: Harvard Business Press.
- Wei, Y. (۲۰۱۹). The Development of the Qianhai Cooperation Zone from the Perspective of Institutional Innovation Studies on China's Special Economic Zones ۲ (pp. ۱۲۷-۱۴۰): Springer.
- Wheatley, M. J. (۱۹۹۴). *Leadership and the new science: Learning about organization from an orderly universe*: ERIC.
- Wolf, S., & Zilberman, D. (۲۰۱۲). *Knowledge generation and technical change: Institutional innovation in agriculture* (Vol. ۱۹): Springer Science & Business Media.
- Woodhill, A. (۲۰۰۸). *Shaping behaviour: how institutions evolve. The broker*, ۲۰۰۸(۱۰), ۴-۸.
- Woodhill, J. (۲۰۱۰). Capacities for institutional innovation: a complexity perspective. *IDS bulletin*, ۴۱(۳), ۴۷-۵۹.
- Yawson, R. M. (۲۰۱۳). Systems theory and thinking as a foundational theory in human resource development—A myth or reality? *Human Resource Development Review*, ۱۲(۱), ۵۳-۸۵.
- Yoshikawa, T., Tsui-Auch, L. S., & McGuire, J. (۲۰۰۷). Corporate governance reform as institutional innovation: The case of Japan. *Organization science*, ۱۸(۶), ۹۷۳-۹۸۸.
- Yawson, R. M. (۲۰۱۳). Systems theory and thinking as a foundational theory in human resource development—A myth or reality? *Human Resource Development Review*, ۱۲(۱), ۵۳-۸۵.
- Yoshikawa, T., Tsui-Auch, L. S., & McGuire, J. (۲۰۰۷). Corporate governance reform as institutional innovation: The case of Japan. *Organization science*, ۱۸(۶), ۹۷۳-۹۸۸.

Zaslavskaya, T. I., Shabanova, A. M. (۲۰۰۲), with regard to the issue of institutionalization of illegal social practices in Russia: the labor market. World of Russia.